حجم معاملات و تأثير آن در تحليل تكنيكال

بعد از مشاهده و بكارگيري الگوهاي نموداري(Chart Patterns) مختلف، توجه شما به سوي "حجم معامله" جلب مي‌شود. بطور خلاصه، حجم عبارت است از تعداد معاملات خريد و فروش كه در يك بازه زماني{مثلا يك روز كاري} انجام ميشود. بدليل اينكه حتي الگوهاي معتبر و قابل اطمينان، ممكن است گاهي درست از آب در نيايند، حجم معاملات مي‌تواند بعنوان ابزار ديگري براي تشخيص آنچه در بازار اتفاق مي‌افتد، و بويژه آنچه در الگوها اتفاق مي‌افتد، بكار رود.{يعني از ابزار حجم معاملات براي تصديق و يا مردود دانستن الگوهاي نموداري مختلف استفاده كنيم}

اعتقاد بر اين است كه **حجم مي‌بايست در جهت قيمت افزايش پيدا كند**. اگر روند غالب قيمت به طرف بالاست، حجم مي‌بايست در روزهاي مثبت سنگين‌تر(بيشتر) و در روزهاي منفي سبكتر(كمتر) باشد. اين قضيه از نگاه عقل و منطق نيز درست بنظر ميرسد چون در روند صعودي، تعداد خريداران مي‌بايست بيشتر از تعداد فروشندگان باشد و در روند نزولي قيمت، تعداد فروشندگان بيشتر از تعداد خريداران است. اگر زماني حجم معاملات شروع به كم شدن كند، اين ميتواند اخطاري باشد مبني بر اينكه روند، قوت و رمق خود را از دست مي‌دهد و ممكن است بزودي تثبيت قيمت{ايست روند-Consolidation} يا شايد يك الگوي برگشت قيمت{Reversal Pattern} اتفاق بيفتد.

اگر در نمودار قيمت سهمي تابحال روند صعودي قيمت را داشته ايد و حالا شاهد حجم معاملات بيشتري روي افت هاي موضعي قيمت{حفره - Dip} هستيد(در مقايسه با حجم معاملات روي قطعات افزايش قيمت-Rally) ميتوان اين موضوع را زنگ خطري مبني بر كمرنگ شدن قدرت خريداران و قويتر شدن جناح فروشندگان دانست.

{توضيح: معمولا به افت هاي موضعي قيمت (dip) گفته ميشود كه معمولا در يك روند صعودي اتفاق مي افتد.

به قطعات با شيب مثبت رو به بالا رالي(Rally) گفته ميشود. رالي ها معمولا پس از حفره(dip) ها اتفاق مي افتند. رالي ها در روند نزولي كوتاه و در روندهاي صعودي بلندترند.

www.ye.com

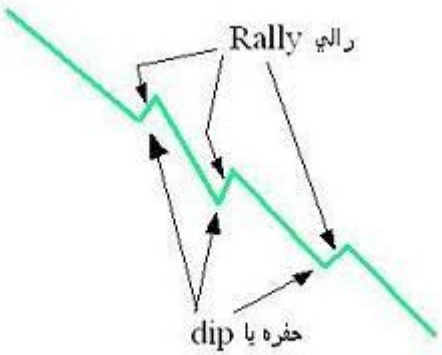

روند نزولي قيمت

عكس اين حالت نيز در روند نزولي قيمت درست است. اگر حجم معاملات روي قطعات نزولي{كه در اثر فروش هاي عمده بوجود مياينـد} شروع به كم شدن كند و معاملات بيشتري روي رالي ها اتفاق بيافتد، نشانگر اينست كه روند قيمت مورد ترديد واقع شده و خريداران شروع به مطرح كردن نقش خود كرده‌اند. حالتي كه حجم معاملات در جهت عكس قيمت حركت مي‌كند، واگرايي(Divergence) ناميده مي‌شود.

اين موضوع يكي از دلايلي است كه حجم در زمان ترديد و بي تصميمي بازار تمايل به كم شدن دارد. در مدت حركت بي جهت (حركات فرعي – Sideway)، اغلب معامله گران از خريد و فروش خودداري مي‌كنند و ترجيح مي‌دهند منتظر بمانند تا در صورت تشخيص يك روند نزولي براي آينده سهم هر چه زودتر با فروش آن سهم، از آن موقعيت فرار كنند. بغير از اين موضوع كه در مواقع بي تصميمي بازار معمولا حجم معاملات كم مي‌شود، بررسي حجم معاملات در دوران بي‌تصميمي مي‌تواند نشانه هايي از روند آتي قيمت به ما بدهد; به اين صورت كه با مقايسه قدرت خريداران و فروشندگان{در همان حركتهاي بي جهت}ميتوان غلبه يك گروه بر ديگري را حدس زد. مشاهده اينكه آيا در روزهاي مثبت حجم سنگين تري وجود دارد يا در روزهاي منفي، مي‌تواند براي موضع گيري در دوره حركت بي جهت (و يا حتي شكل گيري الگوي آينده) مناسب باشد. ايده اين است كه اگر حجم معاملات بيشتري در روزهاي مثبت وجود داشته باشد(نسبت به روزهاي منفي)، احتمالا خريداران جدي تر هستند و وضعيت محتمل براي آينده بازار يك صعود به سمت بالا است. عكس اين موضوع نيز درست است: اگر حجم در روزهاي منفي سنگين تر است، بازار با احتمال بيشتري به سمت پايين سقوط ميكند.

لازم به ذكر است علي رغم اينكه الگوهاي نمودار قيمت، حجم معاملات و كلا آناليز تكنيكال، داراي قابليتهاي پيش بيني هستند، اما هيچكدام مصون از خطا نيستند. استفاده همزمان از اين روشها مي‌تواند كاملا به سرمايه گذاري و خريد و فروشهاي شما كمك كند، اما در عين حال بايد به مسائل مهم ديگري همچون جهت گيري و قضاوت بازار و .... نيز توجه كافي داشت.

ترجمه: رضا آقااحمدی

منبع :

www.sarmaye.com

لینک تاپیک اصلی :

http://forum.sarmaye.com/showthread.php?t=1708

www.sarmaye.com